

طراحی سطح کلان نظام مدیریت فرهنگ اسلامی با رویکرد روش‌شناسی سیستم‌های نرم (SSM)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۷

علی اقبالیان*

عادل آذر**

چکیده

در این مقاله، طراحی نظام مدیریت فرهنگ اسلامی در سطح کلان مدنظر قرار گرفته است. بدین منظور، رویکرد روش‌شناسی سیستم‌های نرم (SSM) مورد استفاده قرار گرفته و بر اساس آن، ابتدا در بخش مواجهه و تبیین شرایط مسئله، اجزاء این نظام در دو دسته کلی اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه و اجزاء پشتیبان شناسایی شده‌اند. سپس تصویر غنی از وضعیت موجود و مسائل و مشکلات مدیریت فرهنگی جامعه ترسیم شده است. در مرحله تهیه جداول CATWOE و توسعه تعاریف ریشه‌ای، ضمن مبنا قرار دادن آحاد جامعه به‌عنوان مخاطبین نظام و شروع فرآیند طراحی نظام از آحاد جامعه (فرآیند پایین به بالا)، کارکردهای نظام جهت ارتقاء فرهنگ اسلامی در آحاد جامعه، در قالب شنش کارکرد آموزش، الگوسازی، ایجاد فضای فرهنگی سالم، حمایت و تکریم، موعظه و ایجاد فضای ارتباط با خدای متعال و اولیاء الهی شناسایی و دسته‌بنایی شده است. همچنین ضمن تبیین انواع رابطه بین اجزاء، فرآیند لازم جهت تعیین رابطه میان کلیه اجزاء بر اساس کارکردها، پیشنهاد شده است. در نهایت در گام طراحی مدل مفهومی، فرآیند طراحی و پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی ارائه شده است. جهت اعتبارسنجی و تدقیق نتایج تحقیق، از روش پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان حوزه فرهنگ اسلامی و حوزه مدیریت فرهنگی استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش، فرآیند تعیین اقدامات هر یک از اجزاء نظام برای ارتقاء فرهنگ اسلامی جامعه و همچنین چگونگی مدیریت کلان این نظام را تبیین می‌نماید.

واژگان کلیدی

فرهنگ اسلامی، طراحی نظام، نظام مدیریت فرهنگ، روش‌شناسی سیستم‌های نرم (SSM)، مدل نرم

* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول
ali.eghbalian@gmail.com

** استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

ذیل اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند اول، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی، به کار گرفتن همه امکانات برای «ایجاد محیط مناسب رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» ذکر شده است. همچنین دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر در اصل هشتم قانون اساسی وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت برشمرده شده است. مقام معظم رهبری نیز، اصلاح فرهنگ عمومی را از وظایف مهم نهادهای فرهنگی دانسته و آن را از جمله کارهای محوری برشمرده‌اند.^۱ هدف اصلی کشور به‌عنوان هدف فرهنگی، رشد و تعالی انسان‌های جامعه و جامعه است. رشد سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی را می‌توان اهداف فرهنگی و اهداف غایی برشمرد (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۰). متأسفانه خلأ پرداختن جدی و اساسی به این حوزه و داشتن دیدگاه راهبردی به آن، در عملکرد فعلی حاکمیت و انجام فعالیت‌های لازم برای تحقق آن، کاملاً مشهود است. از نمودهای وجود این خلأ می‌توان به عدم آگاهی از وضعیت دقیق شاخص‌های فرهنگی در جامعه و نبود برنامه‌های منسجم میان‌مدت و درازمدت جهت ارتقاء فرهنگی جامعه و یا حداقل حفظ وضع موجود اشاره کرد. همچنین نپرداختن جدی به حوزه فرهنگ نتایجی چون بالا بودن نرخ فساد و آلودگی‌های فرهنگی در جامعه نظیر وضعیت اعتیاد و طلاق در کشور را به‌همراه داشته است.

بدین‌منظور لازم است حاکمیت جامعه اسلامی با کسب شناخت از وضعیت فرهنگی آحاد جامعه و برقراری تعامل مناسب، وظایف مدیریتی خود در زمینه فرهنگی شامل هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، کنترل و... را به انجام رساند. یکی از لوازم دستیابی به این هدف، طراحی نظام فرهنگی در جامعه است که ضمن برقراری رابطه مدیران فرهنگی کشور با افراد جامعه، زمینه تبادل اطلاعات و پیاده‌سازی راهکارها و برنامه‌های فرهنگی تدوین‌شده را فراهم کند.

ابزار و نهادهای مختلفی نظیر مسجد، مدرسه، دانشگاه، جوامع محلی، خانوادگی و... برای برقراری روابط فوق‌متصور است. از آنجاکه هدف اصلی نظام اسلامی پیاده‌سازی فرهنگ با تعریف و قالب تبیین شده در منابع و معارف اسلامی است^۲، لازم است که برای تدوین چگونگی این پیاده‌سازی نیز به منابع و معارف دینی مراجعه شود و ابزارهای بیان‌شده در

منابع اسلامی و کارکردهای آن‌ها تبیین و مدل‌سازی شود؛ کاری که به نظر می‌رسد در تحقیقات و پژوهش‌های صورت گرفته کمتر بدان توجه و پرداخته شده است.

۱. سوالات تحقیق

سوالات اصلی این تحقیق که بر مبنای پاسخ به آن‌ها، هدف پژوهش حاضر - که طراحی سطح کلان نظام مدیریت فرهنگ اسلامی است - محقق می‌گردد، در زیر آمده است. این سوالات با نگاه سیستمی و بر اساس تعریفی که از نظام (سیستم) در بخش ۴-۱ ارائه شده، طرح گردیده‌اند.

ا. نظام مدیریت فرهنگ اسلامی دارای چه اجزائی است؟

ب. کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی چیست؟

ج. روابط میان این اجزاء برای انسجام عملکردی و دستیابی به کارایی مطلوب چگونه باید تعریف و تعیین شود؟

د. فرآیند کلان پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی چگونه است؟

۲. مطالعات پیشین مرتبط

تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در زمینه مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی در دهه اخیر به‌ویژه پس از تأکیدات مقام معظم رهبری درباره اهمیت این حوزه، صورت پذیرفته است. عموم این مطالعات توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به انجام رسیده و یا در تحقیقات و پروژه‌های مطالعاتی این نهاد، به نحوی تجلی یافته است. با بررسی نتایج و گزارش‌های منتشرشده از این پژوهش‌ها، این نتیجه حاصل می‌شود که اصولاً دسته عمده‌ای از این تحقیقات در حوزه فرهنگ و مهندسی و مدیریت فرهنگی، بیشتر به تعاریف و توصیف مفاهیم پرداخته‌اند و حداکثر شاخص‌هایی در این حوزه ارائه کرده‌اند. دسته دیگری از مطالعات نیز به یک موضوع یا عنصر خاص در حوزه فرهنگ پرداخته‌اند که در این مورد نیز اصولاً نگاه کلان مطرح نبوده است.

به نظر می‌رسد آنچه در این تحقیقات کمتر بدان توجه شده است، ارائه یک نظام جامع یا دارای جامعیت نسبی برای مدیریت فرهنگی است که در آن ابزار و نهادهای اساسی پیاده‌سازی فرهنگ، نقش‌ها و وظایف مورد انتظار از آن‌ها، نحوه تعامل این نهادها با یکدیگر،

نحوه ارتباط آن‌ها با حاکمیت نظام اسلامی و نهایتاً اجزاء مهم مؤثر در مدیریت فرهنگ اسلامی معین شده باشد. همچنین توجه عمیق به متن و آحاد جامعه به‌عنوان مخاطب اصلی مهندسی و مدیریت فرهنگی و تبیین نقش مردم در این حوزه، از موضوعاتی است که به نظر می‌رسد در این مطالعات مورد غفلت واقع شده است.

از جمله گزارش‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی که تا حدی مرتبط با عنوان این پژوهش است، می‌توان به مستند «تعیین چگونگی مدیریت راهبردی نهادهای فرهنگی دینی» مربوط به سال ۱۳۸۷ اشاره کرد که در آن مباحثی در خصوص نقش و جایگاه نهادهای دینی به‌ویژه نهاد مسجد در مدیریت فرهنگی ارائه شده است.

همچنین دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نظام‌نامه‌ای جهت تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور منتشر نموده است. در این نظام‌نامه که در سال ۱۳۸۸ به تصویب شورای مهندسی فرهنگی کشور رسیده است، منطق و چارچوب تولید نقشه مهندسی فرهنگی کشور در قالب مبانی، اصول، رویکردها، ساختارها، فرآیندها و قواعد و ضوابط حاکم بر طراحی و تدوین این نقشه، تبیین شده است. بر اساس تعاریف این نظام‌نامه، حاصل مطالعه حاضر، طراحی زیر سیستمی از نظام مدیریت راهبردی فرهنگ کشور خواهد بود.

در مطالعه «جامعه‌پذیری دینی در ایران» مفهوم ارتقاء فرهنگ دینی با عبارت جامعه‌پذیری دینی مدنظر قرار گرفته و در بخش‌های مختلف مطالعه سعی شده است تا متناسب با امکانات و ظرفیت‌های نهفته در درون جامعه معاصر ایران، الگوها، منابع، راهکارها و شیوه‌های مختلف دین‌پذیری را با نگاهی به آموزه‌های دین مقدس اسلام در این باره، مورد بررسی قرار دهد (حیدری، ۱۳۹۲).

همچنین در فصول مختلف مطالعه «نقشه فرهنگی شهر تهران بر اساس ارزش‌های اسلامی» مجموعه‌ای از اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها و الزامات برنامه‌ریزی توسعه و تعالی فرهنگی شهر تهران مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و آینده‌نگر برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز شهر، ترسیم و تدوین شده است (مؤذن جامی، ۱۳۸۹).

در خصوص شاخص‌های فرهنگ اسلامی و مقادیر آن در زمان‌ها و مناطق مختلف کشور نیز مطالعات متعددی در سال‌های اخیر انجام شده که نمونه آن، مطالعه سنجه‌های دین‌داری در ایران توسط عباس کاظمی و مهدی فرجی است که در این تحقیق، مطالعات انجام‌شده در کشور

تا سال ۱۳۸۴ در زمینه دین‌داری بررسی شده‌اند و سنجه‌های دین‌داری بیان شده در این مطالعات، در دسته‌های کلی مقیاس‌های مناسک دینی، اعتقادات دینی، آگاهی دینی، ارزش‌های دینی و مقیاس‌های چندبعدی دین‌داری طبقه‌بندی شده‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۸).

۱-۲. جایگاه فرهنگ در سلسله‌مراتب پیچیدگی سیستم‌ها

تئوری عمومی سیستم‌ها در سال ۱۹۵۰ توسط لودوینگ فون برتالنی متخصص فیزیولوژی موجودات زنده مطرح شد که هدف آن تبیین همه پدیده‌های علمی بود. پس از برتالنی، آقای کنت بولدینگ، یکی از حامیان این تئوری، علوم را به‌عنوان سلسله‌مراتب منظم سیستم‌ها مفهوم‌سازی کرد. در این سلسله‌مراتب سیستم‌ها، نه سطح سیستم به ترتیب زیر مشخص شده است: ۱. چارچوب‌ها؛ ۲. ساعت‌واره‌ها؛ ۳. کنترل؛ ۴. باز (زنده)؛ ۵. ژنتیک؛ ۶. حیوان؛ ۷. انسان؛ ۸. انسان اجتماعی و ۹. متعالی (Boulding, 1956).

از آنجاکه نظام مدیریت فرهنگ اسلامی - مبتنی بر تعریف ارائه‌شده در این پژوهش - شامل اجزایی چون آحاد جامعه، نهادهای مردمی و نهادهای حاکمیتی است و ارتباطات و تعاملات آن‌ها را در برمی‌گیرد، لذا این نظام را می‌توان در سطح هشتم سلسله‌مراتب پیچیدگی سیستم‌ها منظور نمود.

۲-۲. جایگاه فرهنگ دینی در نظام فرهنگی جامعه

در مطالعه «تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر فرهنگ کشور»، امور جامعه به سه حوزه کلی فرهنگ، سیاست و اقتصاد تقسیم شده است، لیکن به جهت تأثیر اندیشه، تمایلات و رفتارهای انسان‌ها در موضوعات و حوزه‌های سیاست و اقتصاد، علاوه بر حوزه فرهنگ عناوین فرهنگ اقتصادی و فرهنگ سیاسی نیز در ابعاد و حوزه‌های فرهنگ وارد شده است. از سوی دیگر به جهت آنکه در جوامع دینی، تفکر بنیادین انسان‌ها نسبت به هستی و هدفمندی خلقت، زمینه‌ساز شکل‌گیری اندیشه‌ها، تمایلات و رفتار است، لذا دین و مذهب در این جوامع در بسیاری از روابط اجتماعی حضوری فعال دارد و در پی آن به‌طور مستقل حوزه فرهنگ دینی به‌عنوان فرهنگ حاکم بر تمامی حوزه‌های فرهنگی جامعه معنی پیدا می‌کند. از این رو می‌توان حوزه‌ها یا ابعاد مختلف فرهنگ جامعه را به چهار حوزه اصلی فرهنگ دینی، فرهنگ اجتماعی، فرهنگ سیاسی و فرهنگ اقتصادی جامعه تجزیه نمود. این شیوه حوزه‌بندی فرهنگ در پژوهشی که

مطابق با نظریه اینگلهارت و شاخص‌های جهانی فرهنگی او صورت گرفته، نیز مشاهده می‌شود (آزادآرمکی و گیاثوند، ص ۴۳)؛ به عبارت دیگر، آن بخش از فرهنگ جامعه را که متأثر از دولت و اقدامات دستگاه‌های دولتی در بخش‌های اقتصادی، سیاسی-امنیتی، اجتماعی- فرهنگی، فناورانه و... است، به این چهار حوزه اصلی تقسیم و مدل مفهومی مسئله تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر این اساس توسعه یافته است (رکوعی، ۱۳۸۴).

همچنین در مطالعه «قلمرو دین در تعیین مفروضات اساسی، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها» بر محوریت یافتن دین در تعیین مفروضات اساسی، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی تأکید شده است (پیروزمند، ۱۳۸۶).

۳. روش‌شناسی مطالعه

اساس روش انجام این تحقیق جهت تدوین نظام مدیریت فرهنگ اسلامی کشور، روش روش‌شناسی سیستم‌های نرم (SSM^۳) است. روش‌شناسی سیستم‌های نرم روشی سازمان‌یافته برای برخورد با موقعیت‌های اجتماعی مسئله‌زاست که توسط «پیتر چکلند» طراحی شده است. این سیستم که «اقدام‌محور» است، شیوه تفکر دربارهٔ چنین موقعیت‌هایی را به نحوی سامان‌دهی می‌کند که بتوان اقداماتی در جهت بهبود انجام داد. انتخاب این متدولوژی به دلیل مسئله‌محور و اقدام‌محور بودن این رویکرد، قابلیت کاربرد در موضوعات اجتماعی- فرهنگی و همچنین انعطاف بالای آن در شیوه‌های تحقیق و مدل‌سازی بوده است. این روش‌شناسی دارای هفت مرحله است؛ بررسی و پاسخگویی به هر یک از سؤالات تحقیق، در مرحله‌ای از SSM که تناسب بیشتری با آن سؤال دارد، صورت گرفته است. توضیح مراحل روش‌شناسی سیستم‌های نرم و ابعادی از مسئله تحقیق حاضر که در هر یک از مراحل بدان پرداخته خواهد شد، در ادامه بیان شده است.

مرحله اول و دوم؛ مواجه شدن با شرایط مسئله‌ساز: در مرحله اول SSM، یک مسئله در دنیای واقعی کشف و موقعیت آن در نظر گرفته شده و فضای عمومی مسئله ترسیم می‌شود. در مرحله دوم، موقعیت، افراد درگیر موقعیت و ساختار مسئله تبیین می‌شود. بدین منظور معمولاً از روشی به نام فن تصویر غنی نیز استفاده می‌شود که توضیح آن در بخش ۴-۴ خواهد آمد.

در این گام از طراحی نظام مدیریت فرهنگ اسلامی، برای تعریف و تبیین مسئله، ابتدا تعاریف مورد نیاز از مفاهیم و سازه‌های اصلی به کار در تحقیق ارائه می‌گردند. سپس اجزاء نظام فرهنگ اسلامی به‌عنوان عناصر مؤثر در مسئله، شناسایی و دسته‌بندی می‌شوند. پس از آن، مسائل و مشکلات ناشی از وضع موجود مدیریت فرهنگی جامعه احصاء و دسته‌بندی می‌گردند. نهایتاً تصویر غنی از وضعیت موجود مدیریت فرهنگی جامعه ارائه می‌شود.

مرحله سوم؛ توسعه تعاریف ریشه‌ای: در این مرحله از دنیای واقعی خارج شده و با ورود به دنیای مفهومی و سیستمی، تعریفی بنیادین (ریشه‌ای) از مسئله ارائه می‌شود. تعریف ریشه‌ای، جمله‌ای است که ضمن توصیف سیستم ایدئال، اهداف آن، اشخاص درگیر در موقعیت، افراد تحت تأثیر و تأثیرگذار را معرفی می‌کند. همچنین در این مرحله از SSM، سنجه‌های عملکردی که از طریق آن‌ها در خصوص عملیات سیستم مورد بررسی قضاوت می‌شود، معین می‌شود (Wilson, 2001).

در طی این مرحله از روش‌شناسی SSM، مخاطبین، نقش‌آفرینان، فرآیند تبدیل، جهان‌بینی، مالکان و عوامل و محدودیت‌های محیطی نظام مدیریت فرهنگ اسلامی تبیین می‌شوند. همچنین کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی (فرآیند تبدیل سیستم) معین می‌شود.

مرحله چهارم؛ ساخت مدل مفهومی: منظور از مدل مفهومی در روش‌شناسی SSM نموداری از فعالیت‌ها با ارتباطات مربوط به آن‌هاست که فرآیند حل مسئله یا دستیابی به اهداف را مشخص می‌سازد. مدل مفهومی بر اساس مفاهیم شکل‌گرفته در توسعه تعاریف ریشه‌ای ساخته می‌شود.

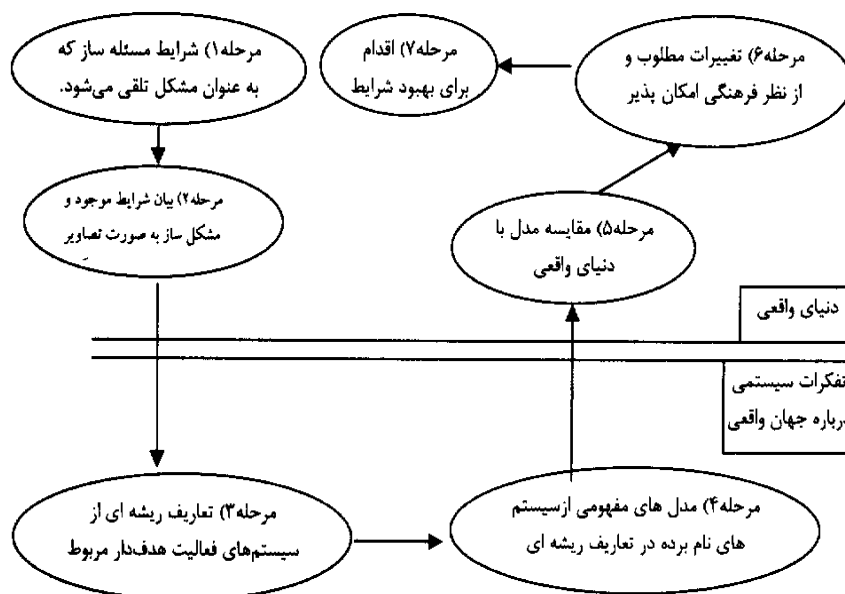
در مرحله ساخت مدل مفهومی این پژوهش، فرآیند پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی طراحی می‌شود. در واقع، این فرآیند چگونگی اجرا و راهبری اقدامات ارتقاءدهنده فرهنگ اسلامی در جامعه را در سطح کلان مشخص می‌کند.

مرحله پنجم؛ مقایسه مدل مفهومی با دنیای واقعی: در این مرحله مدل ساخته‌شده در مرحله قبل با آنچه در عالم واقع است و در مرحله ۲ نشان داده شده است، مقایسه می‌شود. این کار موجب ورود مدل مفهومی به دنیای حقیقی می‌شود.

مرحله ششم؛ شناسایی و تعیین تغییرات موردنیاز: این مرحله شامل شناسایی سامانمند تغییرات مطلوب امکان‌پذیر و مطابق با ارزش‌ها و فرهنگ‌هاست.

برای انجام مراحل پنجم و ششم در این مطالعه که منجر به اصلاح و تدقیق نتایج اولیه به دست آمده در مراحل قبل شده است، از روش پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان استفاده می شود.

مرحله هفتم؛ اجرا: تغییرات شناسایی شده جهت بهبود سیستم به اجرا درمی آید. با توجه به شرایط این پژوهش، مرحله هفتم در مطالعه حاضر موضوعیت ندارد. مراحل هفت گانه روش SSM در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: مدل هفت مرحله ای چک لند بر اساس (چک لند و اشولز، ۱۹۹۹: ۲۷)

برای استفاده مؤثر از SSM، باید بدانیم که SSM یک روش شناسی (متدولوژی) است. واژه روش شناسی (متدولوژی) به شناخت روش اشاره دارد؛ یعنی شناسایی یک مجموعه اصول که برای کاربرد در موقعیت های خاص باید پذیرفته شود و خود، محصول یک بستر به خصوص است. زمینه و بستر روش شناسی، هم باعث خلق یک فرهنگ ویژه می گردد و هم تحت تأثیر فرهنگ خودش، بازآفریده می شود. بنابراین کاربر حرفه ای SSM، موقعیت محور است، نه روش شناسی (متدولوژی) محور و بنا به اقتضاء، باید رویکردی را خلق و

استفاده کند که مناسب موقعیت خاص مطالعه است (جاناناتان روزنهد و جان مینجرز، ترجمه عادل آذر، ۱۳۹۲). مطالعات SSM می‌تواند از سطوح مختلف تکامل و بلوغ برخوردار باشد که در مطالعه بارندن و همکاران، ۱۹۹۵ به سه سطح اولیه، عملکردی و درونی سازی دسته‌بندی شده است. چکلند معتقد است رویکردهایی نظیر SSM را اصولاً باید مکمل و نه جایگزین مدل‌های کارکردگرا و هدف‌یاب دانست (Checkland, 1995).

در این تحقیق، عموم نتایج اولیه که در مراحل اول تا پنجم روش‌شناسی SSM حاصل شده‌اند، با روش تحلیل کیفی منطقی و تبیینی مبتنی بر مبانی دینی، نتایج تحقیقات پیشین و استدلال‌ات منطقی به دست آمده و از طریق کسب و تحلیل نظرهای خبرگان در مراحل پنجم و ششم SSM تدقیق و اعتبارسنجی شده‌اند.

۴. مواجهه و تبیین شرایط مسئله

۴-۱. تعاریف

۴-۱-۱. فرهنگ اسلامی

در خصوص «فرهنگ»، «فرهنگ دینی»، و «فرهنگ اسلامی»، بیانات و تعاریف متعددی از سوی افراد و نهادهای مختلف ارائه شده است. به‌عنوان نمونه، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور تعریف زیر را برای فرهنگ ارائه نموده است: «نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸).

در یک پژوهش دیگر، در تعریف و تبیین فرهنگ دینی آمده است: «با عنایت به تعریف دین و دین‌داری و مؤلفه‌های آن (اعتقاد و باور به خدا، التزام درونی، تجربه درونی و عمل) و مؤلفه‌هایی که برای فرهنگ در نظر گرفته‌ایم (علم، هنر، اخلاق، ادبیات و مذهب) می‌توانیم فرهنگ دینی را از یک جهت به معنی نگرستن به هنر، علم، اخلاق و ادبیات از منظر دین بدانیم و از جهت دیگر برخوردار از نوعی اعتقاد و باور نسبت به علم، اخلاق و هنر دینی و التزام درونی به تحقق و عمل کردن به آن‌ها و همچنین دارا بودن تجربه، معرفت دینی، اخلاقی و هنری مورد تأیید دین بدانیم» (ابوالقاسمی و سجادی، ۱۳۸۳).

در مجموع، تعریف خلاصه مدنظر از «فرهنگ اسلامی» در پژوهش حاضر در این عبارت بیان می‌شود: «نظامی از باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و نمادها که مورد تأیید دین اسلام است».

۴-۱-۲. نظام فرهنگ اسلامی

سیستم یا نظام فرهنگ اسلامی در این مطالعه، به صورت زیر تعریف می‌شود: «مجموعه اجزایی که بر شکل‌گیری، ارتقاء یا تنزل فرهنگ اسلامی آحاد جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم مؤثرند». آحاد جامعه نیز به عنوان مخاطب و جامعه هدف نظام فرهنگ اسلامی، خود به عنوان جزئی از نظام در نظر گرفته می‌شوند. محدوده و جامعه مدنظر جهت طراحی نظام در مطالعه حاضر، جمهوری اسلامی ایران است. در تعریف فوق، مفهوم نظام یا سیستم از تعریف مرسوم مجموعه‌ای از اجزاء و روابط میان آن‌ها که توسط ویژگی‌های معین به هم وابسته شده و این اجزاء با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند، برگرفته شده است (Hall & Fagen, 1986).

۴-۱-۳. نظام مدیریت فرهنگ اسلامی

نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی، «مهندسی فرهنگ» را چنین تعریف کرده است: «فرایند بازشناسی، آسیب‌شناسی، پالایش و ارتقا بخشی فرهنگ و جهت‌دهی آن بر پایه هویت اصیل اسلامی - ایرانی با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی». همچنین تعریف «مهندسی فرهنگی» که معنایی نزدیک به مدیریت فرهنگی دارد در این نظام‌نامه به صورت «فرایند بازطراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور بر اساس فرهنگ مهندسی شده با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی» مطرح شده است. عبارت دیگری که در این نظام‌نامه بیان و تعریف شده است، «مدیریت راهبردی فرهنگ کشور» است که در ماده ۹ نظام‌نامه با عبارت «فرایند تدوین، وضع و اعمال راهبردها و سیاست‌های کلان فرهنگی، سازمان‌دهی و تقسیم‌کار ملی و نظارت و ارزیابی راهبردی در نظام‌های مختلف کشور با توجه به رهیافت‌های مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی و مقتضیات ملی و جهانی» تعریف گردیده است.

همچنین در ماده ۵۶ نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی، وظیفه «نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور»، سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری، سازمان‌دهی و هماهنگی، هدایت و

راهبری و رصد و ارزیابی فرهنگی کشور، بیان شده است. این نظام شامل کلیه نهادها، دستگاه‌ها و مراجعی که تحقق وظایف قانونی و از جمله مهندسی فرهنگی کشور را عهده‌دارند، شمرده شده است.

از جمع‌بندی این تعاریف و با در نظر گرفتن تعریف ارائه‌شده در همین بخش از نظام فرهنگ اسلامی، نظام مدیریت فرهنگ اسلامی به صورت «زیرنظامی از نظام فرهنگ اسلامی که اجزاء آن، حداقل یکی از کارکردهای هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، سازمان‌دهی و هماهنگی، هدایت و راهبری و رصد و ارزیابی فرهنگ اسلامی کشور را در بر دارد» تعریف می‌شود.

۴-۱-۴. اجزاء نظام فرهنگ اسلامی

منظور از «جزء» در نظام فرهنگ اسلامی، عناصری است که بر فرهنگ اسلامی آحاد جامعه اثرگذار است و این اثرگذاری از یک حداقل معقول و دارای ارزش تأملی بیشتر است. نکته حائز اهمیت آن است که مقولاتی که صفت یا رفتار اجزاء هستند، خود «جزء» محسوب نمی‌شوند مانند کسب رزق حلال، نماز خواندن، قوانین و مقررات.

البته همان‌طور که در تعریف نظام فرهنگ اسلامی هم بیان شد، آحاد جامعه نیز به‌عنوان اثرپذیران نظام فرهنگ اسلامی، از اجزاء نظام محسوب می‌شوند.

بنابراین بر اساس تعاریف فوق، «جزء» در «نظام مدیریت فرهنگ اسلامی» عناصری را شامل می‌شود که بر فرهنگ اسلامی آحاد جامعه اثرگذار بوده و دارای حداقل یکی از کارکردهای مدیریتی (هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، سازمان‌دهی و هماهنگی، هدایت و راهبری و رصد و ارزیابی) باشد.

۴-۲. شناسایی اجزاء نظام فرهنگ اسلامی

نظام مدیریت فرهنگ اسلامی برای دستیابی به اهداف خود، نیازمند تعامل و اثرگذاری بر آحاد جامعه (مخاطبان اصلی) و اجزاء اثرگذار بر آحاد جامعه است. لذا لازم است که اجزاء نظام فرهنگ اسلامی و ویژگی‌ها و کارکردهای این اجزاء معین شوند تا بتوان اجزاء نظام مدیریت فرهنگ اسلامی را احصاء و یا تعریف کرد.

بنا بر تعریف انجام‌شده در بخش قبل، اجزاء نظام فرهنگ اسلامی همان اثرگذاران و ذی‌نفعان حوزه فرهنگ اسلامی هستند. از یک نگاه کلان می‌توان اجزاء این نظام را به دو

دسته اثرپذیران (یا جامعه هدف نظام) و اثرگذاران بر جامعه هدف تقسیم نمود. البته اثرپذیران (یا افراد جامعه) می‌توانند خود در نقشی دیگر (مثلاً همسایه) جزء اثرگذاران بر دیگر آحاد جامعه باشند.

با مدنظر قرار دادن این دیدگاه که جامعه هدف نظام فرهنگ اسلامی، افراد و آحاد جامعه هستند، اجزاء اثرگذار در این نظام را می‌توان به دو دسته زیر تقسیم نمود:

▪ اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه:

این اجزاء دارای ارتباط و اثرگذاری مستقیم بر افراد جامعه هستند. مثال‌هایی از این نوع اجزاء عبارت است از: خانواده، محله، مسجد، مدرسه، دانشگاه، رسانه، هیئت، فامیل، فضای شهری (همسایه...، اینترنت، محصولات فرهنگی (کتاب، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم).

▪ اجزاء پشتیبان (دارای ارتباط غیرمستقیم با آحاد جامعه):

این اجزاء اصولاً دارای ارتباط مستقیم و بدون واسطه با مردم نیستند و معمولاً از طریق اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه - که در بالا بیان شد - اثرگذاری می‌کنند. عموماً این اثرگذاری از جنس پشتیبانی از اجزاء دارای ارتباط مستقیم است. مثال‌هایی از این نوع اجزاء عبارت‌اند از: نهادهای حاکمیتی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت ارشاد و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری‌ها و یا نهادهای تأمین‌کننده محتوای فرهنگ و تربیت‌کننده نیروی انسانی موردنیاز مانند حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های فعال در زمینه فرهنگ اسلامی در ادامه این دو دسته از اجزاء شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۴-۲-۱. اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه

با بررسی منابع موجود در حوزه فرهنگ و همچنین استفاده از نظر خبرگان، اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه به صورت جدول ۱ فهرست گردید. برای شناخت بهتر این اجزاء، اجزاء شناسایی شده از دو منظر زیر بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند که نتایج طبقه‌بندی نیز در جدول ۱ ارائه شده است.

▪ قرار گرفتن اجباری یا اختیاری افراد تحت تأثیر جزء

برخی از اجزاء دارای این ویژگی هستند که با توجه به شرایط موجود جامعه، تقریباً کلیه افراد تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند مانند خانواده و مدرسه؛ اما برخی دیگر از اجزاء به گونه‌ای

هستند که ممکن است فرد تحت تأثیر آن قرار گیرد ولی لزوماً این‌گونه نیست که همه افراد جامعه در حوزه تأثیر آن قرار گیرند مانند مسجد یا اینترنت. بررسی و شناخت اجزاء از این منظر می‌تواند در آگاهی از میزان و نوع اثرگذاری و همچنین اولویت‌بندی اجزاء برای اثرگذاری در مدیریت فرهنگ اسلامی مفید باشد.

▪ تأکید مستقیم دین بر توجه و یا استفاده از جزء

اصولاً دین اسلام خود ابزارهای تحقق اهداف فرهنگی و تربیت دینی را معرفی نموده که لازم است آن‌ها استخراج شده و با توجه به شرایط روز جامعه تبیین شوند. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض بدیهی که شارع دین خود از همه بهتر بر چگونگی تحقق آن اشراف دارد و در نتیجه ابزارهای مورد تأکید منابع دینی برای پیاده‌سازی و مدیریت فرهنگ اسلامی، می‌بایست مورد توجه مضاعف قرار گیرد، در اینجا اجزاء شناسایی شده از این منظر نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. اجزاء، دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه

اجزای که مستقیماً مورد تأکید دین قرار گرفته	اجزای که فرد قطعاً در آن قرار می‌گیرد	اجزاء	
✓		نیستان	۱
		کانون‌های فرهنگی و هنری	۲
		بسیج	۳
✓	✓	خانواده	۴
	✓	محله (شامل روابط همسایگی)	۵
		مهد کودک	۶
	✓	مدرسه	۷
		دانشگاه	۸
		حوزه‌های علمی (مخاطب طلاب)	۹
		رسانه (ماهواره، صدا و سیما، نشریات، اینترنت)	۱۰
✓		هیات	۱۱
✓	✓	قایل	۱۲
✓		روحانیون و واعظ	۱۳
✓	✓	فضای شهری (رفتار افراد، تبلیغات شهری، مکان‌های تفریحی، فضاهای حمل‌ونقل عمومی)	۱۴
		محیط کار	۱۵
		آموزشگاه‌ها و سیستم‌های آموزشی غیر رسمی	۱۶
		مکتب‌های مذهبی خاص	۱۷
✓		افراد و گروه‌های مرجع، رفتار نخبگان و مسئولین	۱۸
✓		کتاب	۱۹
		بازی‌های رایانه‌ای	۲۰
		فیلم	۲۱
✓	✓	پوشش (لباس)	۲۲
		موسیقی	۲۳
	✓	اسباب بازی	۲۴
✓		شرایط اقتصادی	۲۵
		شرایط سیاسی	۲۶
		سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و سازمان دانش‌آموزی	۲۷
	✓	اقلیم و محیط زیست	۲۸
		نظام، شبکه‌ها و روابط اداری	۲۹
✓		دوستان و گروه‌های همسالان	۳۰
		فضای مجازی	۳۱
		فرهنگسراها و کانون‌های فرهنگی و هنری غیر از مساجد	۳۲

در توضیح فهرست فوق، موارد زیر قابل بیان است:

- اجزاء از این جهت که همه «اثرگذار بر فرهنگ جامعه مخاطب نظام فرهنگ اسلامی» هستند، دارای یک جنس بوده و می‌توان آن‌ها را در کنار هم بیان نمود.
- در خصوص دسته‌بندی اجزاء، علی‌رغم بررسی‌های انجام‌شده یک دسته‌بندی مناسب که جامع و مانع بوده و بتواند افزاینده مناسبی از کلیه اجزاء به دست دهد، تاکنون حاصل نشده است. یک دسته‌بندی صورت گرفته، به شکل زیر است:

- افراد (نخبگان، خانواده، فامیل، روحانیون،...)
- نهادها (هیئت، مدرسه،...)
- اماکن فیزیکی (زیارتگاه‌ها، مسجد،...)
- محیط‌ها (محیط کار، فضای شهری،...)
- شرایط و نظام‌ها (اقتصادی، سیاسی،...).

در این دسته‌بندی، مقسم معینی وجود ندارد و مفید و کاربردی بودن آن نیز قابل تردید است. ■ از جزء «حوزه علمیه» در این فهرست، اثرگذاری آن بر روی طلاب مدنظر است؛ مانند رابطه و اثرگذاری دانشگاه بر دانشجویان؛ بنابراین، با جزء «روحانیان و وعاظ» قابل تمایز است.

۴-۲-۲. اجزاء پشتیبان (دارای ارتباط غیرمستقیم با آحاد جامعه)

اجزاء پشتیبان و دارای ارتباط غیرمستقیم با آحاد جامعه، عموماً از جنس نهادها و سازمان‌های وابسته به حاکمیت هستند. در یک مطالعه انجام‌شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بخش «وضعیت سازمان‌های کلان آموزشی و فرهنگی در ایران»، این نهادها و سازمان‌ها را به سه دسته الف. سازمان‌های ذیل قوه مجریه، ب. سازمان‌های در سطح حاکمیت و ج. سازمان‌های فرهنگی غیردولتی تقسیم نموده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). عموم نهادهای نام برده شده در دسته الف و ب، از اجزاء پشتیبان محسوب می‌شوند و بیشتر نهادهای دسته ج، اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه هستند.

با توجه به تعدد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با فرهنگ اسلامی در جامعه، برای سهولت تحلیل و طراحی نظام مدیریت اسلامی، لازم است که به‌نحوی این سازمان‌ها و نهادها طبقه‌بندی شوند و در طراحی کلان این نظام، حتی‌المقدور به‌جای هر سازمان، هر یک از دسته‌های طبقه‌بندی صورت گرفته، به‌عنوان یک جزء یا زیرسیستم نظام در نظر گرفته شود. در مطالعه «طراحی و ارزیابی مدل‌های کلان ساماندهی فعالیت‌های قرآنی» فعالیت‌های قرآنی به فعالیت‌های «پژوهش»، «آموزش»، «تبلیغ و ترویج» و «مدیریت» و حوزه‌های «علوم قرآنی»، «معارف قرآن» و «امور قرآنی» (شامل بخش‌های «تعلیم عمومی قرآن»، «تربیت فعالان قرآنی»، «تحقیقات قرآنی»، «تبلیغات قرآنی» و «تشکیلات قرآنی») دسته‌بندی شده‌اند و بر این اساس، دستگاه‌های متولی برای هر یک از حوزه-فعالیت‌ها مشخص شده است (لشکر بلوکی، ۱۳۸۴،

پیوست یک، ص ۵). از آنجاکه در دسته‌بندی انجام‌شده در این مطالعه، همه حوزه‌های تعلیم، تربیت و ترویج علوم و معارف قرآنی دیده شده است، لذا این دسته‌بندی را می‌توان برای حوزه «فرهنگ اسلامی» نیز قابل استفاده دانست. در پیوست ۲، دستگاه‌های متولی فعالیت‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف که در مرجع پیش‌گفته آمده، ارائه شده است.

۳-۴. مسائل و مشکلات ناشی از وضع موجود مدیریت فرهنگی جامعه

با مرور و جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده در حوزه فرهنگ، اهم مشکلات و نقاط ضعف موجود در زمینه فرهنگ اسلامی و نظام مدیریت آن، در دو بخش حاکمیت و آحاد جامعه به صورت زیر فهرست شده‌اند. تلاش شده تا این فهرست، خلاصه بوده و به سرفصل‌ها اشاره نماید.

مشکلات و نقاط ضعف بخش حاکمیت

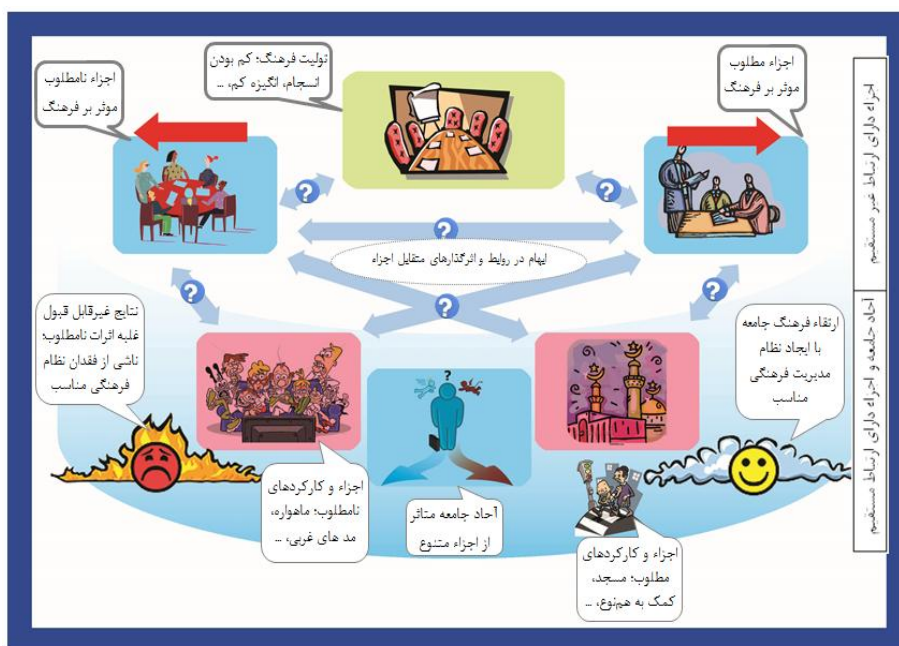
- کم بودن دغدغه برای پرداختن به حوزه فرهنگ
- نداشتن ارزیابی دقیق از وضعیت فرهنگی کشور در ابعاد مختلف
- نبود فهم تخصصی از حوزه فرهنگ
- ضعف شناخت و تسلط بر ابزارها و روش‌های ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه
- نبود انسجام و نظام مشخص مابین دستگاه‌های فرهنگی کشور
- ضعف مدیریت و نبود برنامه در دستگاه‌های فرهنگی کشور

مشکلات و نقاط ضعف بخش آحاد جامعه

- وجود فساد و آلودگی‌های فرهنگی در بخشی از جامعه؛
- کمی انگیزه آخرت‌گرایی و زندگی مطابق با فرهنگ اسلامی در بخشی از جامعه؛
- کم بودن انگیزه و آمادگی ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) در قشر مذهبی جامعه؛
- عدم آشنایی بخشی از آحاد جامعه با فرهنگ اسلامی (سبک زندگی اسلامی)؛
- قرار داشتن بخشی از آحاد جامعه در فضای ترویج آسیب‌های فرهنگی و تضاد فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)، (سازمان افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۸) و (لشکر بلوکی، ۱۳۸۴).

۴-۴. تصویر غنی از وضعیت موجود

تکنیک تصویر غنی، یکی از موفق‌ترین و پرکاربردترین روش‌هایی است که در روش‌شناسی سیستم‌های نرم- و البته در برخی دیگر از روش‌شناسی‌ها نیز- مورد استفاده قرار گرفته است (Jackson, 2003) تصویر غنی معمولاً در قالبی غیررسمی، عامیانه و کاریکاتوری، وضعیت موجود مسئله و عناصر اساسی آن را نمایش می‌دهد. در ترسیم تصویر غنی از وضعیت موجود نظام مدیریت فرهنگی جامعه، سعی شده است عناصر اصلی مسئله شامل مفاهیم، اجزاء، مشکلات و رابطه بین ساختار و فرآیندها (مفهوم climate (Pid, 2003)) به‌طور شماتیک لحاظ شوند. در شکل ۲ تصویر غنی ترسیم شده، نمایش داده شده است.



شکل ۲. تصویر غنی (Rich Picture) از مسئله نظام مدیریت فرهنگ اسلامی

۵. توسعه تعاریف ریشه‌ای

در روش SSM قبل از توسعه تعاریف ریشه‌ای و برای تسهیل در تبیین عناصر آن، از فن «CATWOE»^۴ استفاده می‌شود. برای مسئله این مطالعه، عناصر CATWOE به‌صورت زیر معین شدند:

C. مشتریان: آحاد جامعه

A. بازیگران: اجزاء دارای ارتباط مستقیم و اجزاء دارای ارتباط غیرمستقیم (اجزای پشتیبان) با آحاد جامعه؛ این اجزاء در بخش ۰ تبیین شدند.

T. فرآیند پردازش (تبدیل): ارتقاء فرهنگ اسلامی در آحاد جامعه؛ ذیل این مبحث در بخش ۰ تحلیل کارکردی نظام مدیریت فرهنگ اسلامی، انجام می‌شود.

W. جهان بینی: حاکمیت جامعه می‌تواند- و می‌بایست^۵ - از طریق برقرار ساختن یک نظام مدیریت صحیح در حوزه فرهنگ اسلامی بر اساس مبانی دینی، بستر لازم برای ارتقاء فرهنگ اسلامی را برای آحاد جامعه فراهم نماید. در طراحی و پیاده‌سازی این نظام، واقعیت‌های زیر باید لحاظ شود:

▪ ارتقاء فرهنگی گسترده و پایدار در جامعه، مستلزم احساس مسئولیت و مشارکت عملی آحاد جامعه است.^۶

▪ بهترین ابزار و روش‌ها برای ارتقاء فرهنگ اسلامی در جامعه، ابزار و روش‌هایی است که دین اسلام خود بدین منظور، معرفی و تبیین نموده است.

▪ بر اساس دیدگاه اسلام، در پذیرش عموم جنبه‌های فرهنگ، اجبار وجود ندارد و آحاد جامعه می‌توانند بر اساس اختیار خود، مسیر رشد و تعالی را طی نمایند.^۷

O. مالک: حاکم جامعه اسلامی

«مالک سیستم» به کسانی اطلاق می‌شود که می‌توانند فرآیند تبدیل در سیستم را متوقف کنند. بر اساس این تعریف و با مدنظر قرار دادن چگونگی تعیین مالک سیستم در نمونه‌های مختلف استفاده از روش SSM، در اینجا «حاکم جامعه اسلامی» به‌عنوان مالک سیستم تعیین می‌شود.

E. عوامل و محدودیت‌های محیطی

الف. گرایش‌های درونی به سمت هواهای نفسانی و دنیاگرایی مذموم

ب. وجود اثرگذاران و اجزایی که آحاد جامعه را به سمت فرهنگ غیراسلامی سوق می‌دهند.

ج. وجود نهادها و اجزایی که حذف یا تغییر ماهوی آن‌ها مقدر در نظر گرفته نمی‌شود.

بر اساس مفاهیم فوق، تعریف ریشه‌ای برای مسئله این تحقیق، در قالب عبارت زیر بیان می‌شود:

«نظام مدیریت فرهنگ اسلامی، نظامی است که برگرفته از مبانی و روش‌های اسلامی، بستر مناسب برای ارتقاء فرهنگ اسلامی آحاد جامعه را فراهم می‌کند. مبنای اصلی طراحی نظام، ایجاد سازوکار تحقق کارکردهای معینی است که بر اساس مبانی دینی و دیدگاه‌های برگرفته از مبانی اسلامی خبرگان، تعیین شده‌اند. طراحی و پیاده‌سازی این نظام، بر اساس نقش‌آفرینی حداکثری افراد جامعه صورت می‌پذیرد و نقش حاکمیت از جنس تولیت و راهبری خواهد بود. در طراحی نظام، تأثیر عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر شکل‌دهی فرهنگ جامعه شامل اجزاء دارای ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با آحاد جامعه، لحاظ می‌شود».

۱-۵. کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی

کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی را می‌توان به دو دسته ۱. کارکردهای اصلی نظام یا کارکردها از منظر ارتقاء فرهنگ اسلامی مخاطبین نظام و ۲. کارکردهای مدیریتی و پشتیبانی نظام تقسیم‌بندی نمود. در ادامه هر یک از این دو دسته کارکردها تبیین می‌شوند.

۱-۱-۵. کارکردهای اصلی نظام

کارکردهای اصلی نظام، کارکردهایی هستند که از منظر مخاطبین نظام یعنی آحاد جامعه تعریف می‌شوند. این کارکردها، روش‌های کلی هستند که نظام مدیریت فرهنگ اسلامی با استفاده از آن‌ها فرآیند تبدیل (عنصر T از CATWOE) یعنی ارتقاء فرهنگ اسلامی در آحاد جامعه را به انجام می‌رساند. برای تعیین و دسته‌بندی این کارکردها، یک فهرست اولیه از آن‌ها بر اساس منابع دینی و مطالعات پیشین تهیه شد و با نظرسنجی پرسشنامه‌ای و مصاحبه‌ای از خبرگان، تدقیق گردید. نتایج شناسایی و دسته‌بندی کارکردها به صورت است:

- ✓ آموزش (تعلیم)
- ✓ الگوسازی
- ✓ ایجاد بستر و فضای ارتباط با خدای متعال و اولیاء خدا
- ✓ ایجاد فضای زندگی فرهنگی سالم
- ✓ ترویج، تبلیغ، تشویق، تذکر و انذار (موعظه)

✓ حمایت

نکات زیر در خصوص کارکردهای اصلی نظام قابل توجه است:

- منظور از «آموزش» در کارکردهای فوق، روش‌های مستقیم انتقال آموزه‌های فرهنگی است مانند کلاس آموزشی، خواندن کتاب، سخنرانی آموزشی،...
- منظور از «الگوسازی»، روش‌های اثرگذاری غیرزبانی، رفتاری و تبلیغ عملی افراد^۱ را نیز شامل می‌شود.

▪ منظور از کارکرد «حمایت» انواع مختلف حمایت از آحاد جامعه نظیر حمایت مالی، فکری، عاطفی و اجتماعی است. نمونه‌هایی از کارکرد حمایت عبارت‌اند از: کمک در ازدواج، مشاوره تحصیلی، مشاوره اشتغال، تأمین مسکن، حمایت و کمک افراد در معرض آسیب، محبت و احسان به افراد

- کارکردهای سلبی مانند ممانعت از بروز رفتارهای غیرمنطبق با فرهنگ اسلامی در اماکن عمومی در کارکرد «ایجاد فضای زندگی فرهنگی سالم» دیده شده است. البته به دلیل اهمیت کارکردهای سلبی، ذکر جداگانه آن نیز مورد تأکید تعدادی از خبرگان قرار گرفته است.
- کارکردهای مربوط به رفع موانع استقرار و ارتقاء فرهنگ اسلامی و کاهش هزینه دین‌داری مانند از بین بردن فساد اداری و از بین بردن فقر نیز در کارکرد «ایجاد فضای زندگی فرهنگی سالم» لحاظ شده است. همچنین کارکردهای مربوط به ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری مانند اصلاح قوانین قضایی نیز ذیل این کارکرد دیده می‌شوند.

▪ علت جدا کردن کارکرد «ایجاد بستر و فضای ارتباط با خدای متعال و اولیاء خدا» از کارکرد «ایجاد فضای زندگی فرهنگی سالم»، اهمیت زیاد این عنصر در نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی و همچنین تأکید بر استفاده از ابزارهای معرفی شده از سوی خود دین (نظیر مسجد، ماه رمضان،...) برای ارتقاء فرهنگ اسلامی در جامعه است.

- در تعیین کارکردهای فوق، هم رویکرد استریلیزه‌سازی (جلوگیری از قرارگیری فرد در محیط‌های القاکننده فرهنگ غیر اسلامی تا حد امکان) و هم رویکرد واکسینه‌سازی (تقویت درونی آحاد جامعه برای احتراز از فرهنگ غیر اسلامی حتی در هنگام قرار گرفتن در معرض آن) توأمآ مدنظر قرار گرفته و هر دوی این رویکردها ضروری به حساب آمده است.

۵-۱-۲. کارکردهای مدیریتی و پشتیبانی نظام

علاوه بر کارکردهای اصلی نظام که در بالا بیان شد، نظام مدیریت فرهنگ اسلامی دارای کارکردهایی از جنس مدیریت و پشتیبانی است که برای اطمینان از اجرای درست کارکردهای اصلی و همچنین تسهیل پیاده‌سازی آن‌ها می‌باشند. این کارکردها با بهره‌گیری از مطالعات پیشین در این حوزه به‌ویژه مطالعه «آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی»، به‌صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

- مدیریت (راهبری، تولیت)
 - سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی؛
 - هماهنگی و تسهیل؛
 - رصد؛
 - نظارت و ارزیابی.
- فعالیت‌های پشتیبانی (تأمین منابع)
 - پشتیبانی مالی؛
 - ارائه محتوا: تولید مضامین (دانش)، محصولات و ابزار و انجام پژوهش؛
 - تأمین و تربیت نیروی انسانی.

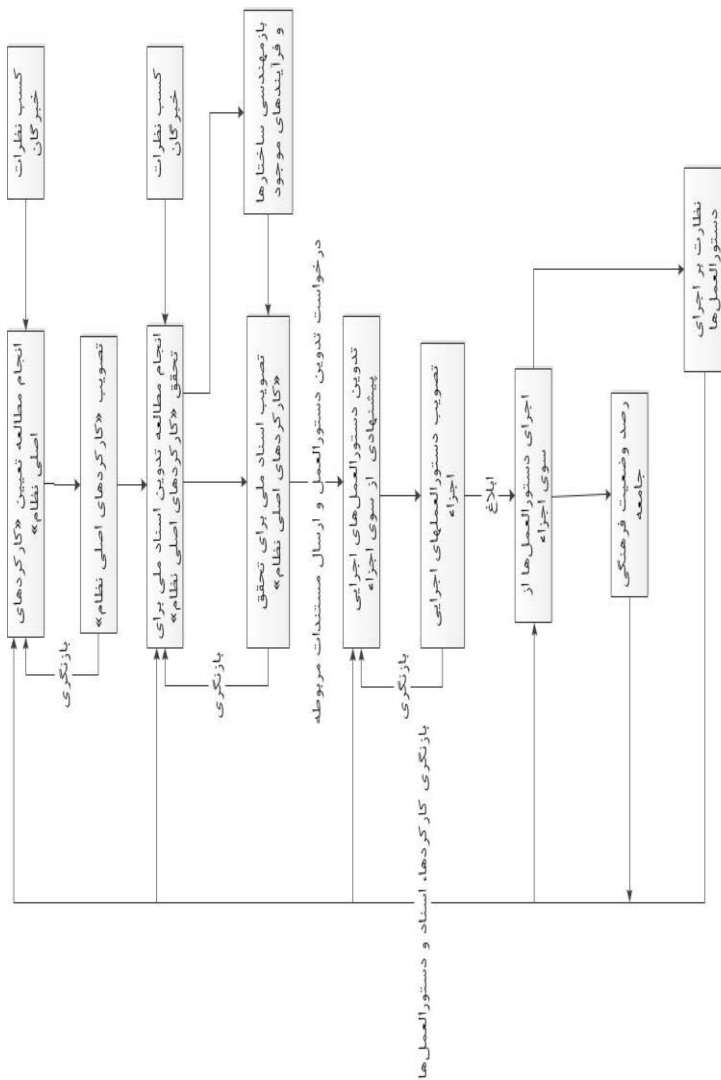
۵-۲. چگونگی تعیین روابط میان اجزاء نظام

اصولاً روابط میان اجزاء نظام از جنس کارکردهای پشتیبانی و مدیریتی است که در بخش • فهرست شدند؛ برای مثال، در رابطه بین جزء خانواده و جزء صداوسیما، جنس رابطه می‌تواند از نوع ارائه محتوا (یکی از کارکردهای پشتیبانی) باشد. طبق نتایج به‌دست‌آمده، زمانی می‌توان جنس روابط میان اجزاء و همچنین ویژگی‌های تفصیلی این روابط را معین کرد که اقداماتی که می‌بایست هر یک از اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه برای پیاده‌سازی کارکردهای اصلی نظام انجام دهند، معین شوند و بر اساس این اقدامات و نیازمندی‌های مدیریتی و پشتیبانی هر یک از آن‌ها، اقدامات سایر اجزاء و به‌تبع آن روابط میان اجزاء معین و مشخص گردد. با توجه به تکرار اجزاء و اقدامات قابل انجام هر یک از آن‌ها، تعیین همه این اقدامات به‌نحو منطقی و مستدل، خارج از ظرفیت این مطالعه است. البته در بخش طراحی مدل

مفهومی، نحوه تعیین این اقدامات در یک فرایند منطقی و با مشارکت خود اجزاء در تدوین آن، تبیین شده است. در پیوست ۱_ مثالی از اقدامات یک جزء نمونه (جزء خانواده) برای پیاده‌سازی یکی از کارکردهای اصلی نظام (کارکرد الگوسازی) پیشنهاد شده و بر اساس این اقدامات، نوع رابطه میان تعدادی از اجزاء نیز مشخص شده است.

۶. طراحی مدل مفهومی

در مدل مفهومی، فرآیند پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی طراحی می‌شود. در واقع این مدل، فرآیندی را که طی آن، کارکردهای اصلی نظام تعیین شده، اقدامات هر یک از اجزاء جهت پیاده‌سازی کارکردها معین شده و برای اجرای صحیح اقدامات، کارکردها و اقدامات مدیریتی و پشتیبانی معین و انجام می‌شوند را ترسیم می‌کند. مدل مفهومی، در نمودار صفحه بعد نمایش داده شده است.



مدل مفهومی فرآیند طراحی و پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی

- در خصوص مدل مفهومی، نکات زیر بر اساس نظرات خبرگان قابل توجه است:
- تولید و راهبری نظام مدیریت فرهنگ اسلامی با توجه به ساختارهای موجود فعلی، با شورای عالی انقلاب فرهنگی است. این شورا نقش محوری در اجرای مدل فوق خواهد داشت که برای اجرای فعالیت‌های مدل، اجزاء مختلف مانند هیئت دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسات مطالعات فرهنگی و... را درگیر می‌نماید.
 - در فرآیند فوق، بهتر است شروع کار در اولین چرخه، از فعالیت رصد وضعیت فرهنگی جامعه یا به عبارتی شناخت سیستم، انجام شود.
 - در پیاده‌سازی دستورالعمل‌ها و اقدامات، اجرای آزمایشی و پایلوت پیش از اجرای گسترده، در برخی موارد لازم است.

۷. ارزیابی مدل و تعیین تغییرات موردنیاز

در مرحله پنجم و ششم روش‌شناسی سیستم‌های نرم، مدل مفهومی طراحی شده مورد ارزیابی قرار گرفته و تغییرات موردنیاز جهت بهبود مدل و انطباق هرچه بیشتر آن با دنیای واقعی، تعیین می‌شود. در این مطالعه، جهت ارزیابی و تدقیق نتایج به‌دست‌آمده، پرسشنامه‌ای در خصوص اجزاء و کارکردهای نظام و مدل مفهومی طراحی شده، تهیه شد. روایی پرسشنامه از طریق روش پیش‌آزمون اعتباریابی شد و در اختیار حدود ۱۵ نفر از افراد خبره و دارای تجربه در زمینه فعالیت‌های فرهنگی دینی و مدیریت فرهنگی در کشور قرار گرفت. در موارد لازم جهت ارائه توضیحات و همچنین کسب نظرات، جلسه حضوری با خبرگان نیز برگزار گردید. جمع‌بندی نظرات به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌ها در نتایج مطالعه که در بخش‌های قبل ارائه شد، اعمال گردید. قبل از کسب نظرات خبرگان مدنظر بود که در صورت وجود واگرایی میان نظرات ارائه‌شده، جلسه گروه کانونی نیز میان منتخبی از خبرگان برگزار گردد، که با توجه به عدم مشاهده واگرایی قابل توجه در نظرات ارائه‌شده، نیازی به برگزاری جلسه گروه کانونی احساس نشد.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۸-۱. یافته‌ها

در این مقاله برای طراحی سطح کلان نظام مدیریت فرهنگ اسلامی، روش‌شناسی سیستم‌های نرم (SSM) مورد استفاده قرار گرفت.

▪ در گام مواجهه و تبیین شرایط مسئله، اجزاء نظام فرهنگ اسلامی شناسایی و دسته‌بندی شد. این اجزاء بر اساس اثرگذاری بر مخاطبین اصلی نظام یعنی آحاد جامعه، به دو دسته اجزاء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه و اجزاء پشتیبان تقسیم‌بندی شدند. با استفاده از نظر خبرگان، ۳۲ جزء دارای ارتباط مستقیم با آحاد جامعه احصاء گردید.

▪ پس از آن در مرحله توسعه تعاریف ریشه‌ای، کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی در دو دسته ۱. کارکردهای اصلی نظام یا کارکردها از منظر ارتقاء فرهنگ اسلامی مخاطبین نظام و ۲. کارکردهای مدیریتی و پشتیبانی نظام شناسایی و بررسی شدند. کارکردهای اصلی شناسایی شده عبارت‌اند از: آموزش (تعلیم)، الگوسازی، ایجاد بستر و فضای ارتباط با خدای متعال و اولیاء خدا، ایجاد فضای زندگی فرهنگی سالم، ترویج، تبلیغ، تذکر و انذار (موعظه) و حمایت. همچنین کارکردهای مدیریتی عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، هماهنگی و تسهیل، رصد و نظارت و ارزیابی و همچنین کارکردهای پشتیبانی عبارت‌اند از: پشتیبانی مالی، ارائه محتوا و تأمین و تربیت نیروی انسانی.

▪ در نهایت، مدل مفهومی فرآیند پیاده‌سازی کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی طراحی گردید. این مدل، فرآیندی را که طی آن، کارکردهای اصلی نظام تعیین شده، اقدامات هر یک از اجزاء جهت پیاده‌سازی کارکردها معین شده و برای اجرای صحیح اقدامات، کارکردها و اقدامات مدیریتی و پشتیبانی معین و انجام می‌شوند را ترسیم نموده است. با پیاده‌سازی این فرآیند چرخه‌ای و همیشگی، علاوه بر تدقیق و به‌روز شدن اجزاء و کارکردهای شناسایی شده، روابط میان اجزاء نیز بر اساس اقدامات معین شده، قابل تبیین است.

۸-۲. بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت اصلی این پژوهش با مطالعات پیشین در زمینه احصاء عناصر مؤثر بر فرهنگ جامعه، تأکید بر نگاه از منظر مخاطبان اصلی نظام فرهنگی یعنی آحاد جامعه بوده است. این نگاه

منجر به توجه و احصاء عناصر اثرگذاری بر فرهنگ جامعه شده است که علی‌رغم اهمیت آن‌ها کمتر در مطالعات علمی به آن‌ها توجه می‌شود؛ مانند مسجد، همسایه، دوستان و... بداعت دیگر این مطالعه، نگرش کلان به عناصر مؤثر بر فرهنگ بوده است که منجر به گردآوری مجموعه نسبتاً جامعی از عناصر و اجزاء مؤثر بر فرهنگ عمومی جامعه شده است حال آنکه در مطالعات مرسوم فرهنگ عمومی، معمولاً تمرکز بر خصوصیات یک عنصر و یا رابطه بین دو عنصر قرار می‌گیرد. در خصوص کارکردهای نظام مدیریت فرهنگ اسلامی نیز در ادبیات موضوع بیشتر به بررسی و دسته‌بندی کارکردهای مدیریتی و پشتیبانی توجه شده که از آن‌ها در این مطالعه استفاده شد لکن شناسایی و دسته‌بندی کارکردهای اصلی نظام یا کارکردها از منظر ارتقاء فرهنگ اسلامی مخاطبین نظام و همچنین چگونگی پیاده‌سازی آن‌ها کمتر در مطالعات پیشین مورد مذاقه قرار گرفته است.

۳-۸. پیشنهاد مطالعات آتی

با توجه به نگاه کلان این مطالعه به طراحی نظام مدیریت فرهنگ اسلامی، طراحی جزئیات این نظام می‌تواند در تحقیقات پیاوند مطالعه حاضر مورد توجه قرار گیرد. بررسی تفصیلی کارکردهای اصلی نظام و قابلیت‌ها و روش‌های هر یک به‌ویژه از طریق بررسی الگوهای موفق موجود، تبیین رابطه کارکردها و عناصر فرهنگ، تبیین اثرات تعاملی و هم‌افزایی کارکردهای نظام، مشخص نمودن قابلیت اجزاء نظام برای پیاده‌سازی کارکردهای تفصیل داده‌شده و شناسایی اقدامات ممکن هر یک از اجزاء، طراحی سطوح جزئی فرآیند پیاده‌سازی کارکردهای نظام و تبیین نقش نهادهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی در این فرآیند، از موضوعاتی است که مطالعه آن‌ها به تبیین عمیق‌تر نظام مدیریت فرهنگ اسلامی منجر می‌شود. همچنین بهره‌گیری از سایر روش‌شناسی‌های مدل‌سازی غیرساختاریافته برای طراحی نظام نیز پیشنهاد می‌شود.

پیوست ۱. اقدامات و روابط اجزاء برای جزء خانواده در پیاده‌سازی کارکرد الگوسازی

اقدامات	- اقدامات		
نوع رابطه	مختصاً	تیموزی اساسی	مدیریت (فقط رصد)
مسجد - شبستان	✓		
کانون‌های فرهنگی و هنری	✓	✓	✓
بسیج	✓	✓	✓
خانواده			
محلّه (همسایه،)		✓	
مدرسه	✓	✓	✓
دانشگاه			
حوزه‌های علمیه			
رسانه (ماهواره، صدا و سیما، روزنامه، اینترنت)	✓		
هیات	✓		
فامیل	✓	✓	
روحانیون و وعاظ			
فضای شهری	✓		
محیط کار			
آموزشگاهها (زبان، باشگاه ورزشی، ...)	✓		
رفتار نخبگان، افراد مرجع، علماء و مسئولین حکومتی			
مکان‌های مذهبی خاص	✓		
کتاب	✓		
بازی‌های رایانه‌ای	✓		
فیلم	✓		
لباس	✓		

پیوست ۲. دستگاه‌های متولی فعالیت‌های قرآنی در حوزه‌های مختلف

تفقیان قرآنی	حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تلیفیان قرآنی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- دفتر مقام معظم رهبری	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- دفتر مقام معظم رهبری- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تشکیلان قرآنی	سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی

حوزه	لمعیت	بزرگترین	آموزش	تشیخ و ترویج	معیاریت
حوزه علمیه قم	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- دفتر مقام معظم رهبری- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معارف قرآن	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- دفتر مقام معظم رهبری- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حوزه علمیه قم- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تعمیر عمومی قرآن	سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تربیت معلمان قرآنی	سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- وزارت آموزش و پرورش- دفتر مقام معظم رهبری- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	حدا و سینمای جمهوری اسلامی ایران- سازمان تبلیغات اسلامی- حوزه علمیه قم- نهادهای ریاست جمهوری- نهادهای تشدید کبری کشور- مؤسسان و تشکلهای غیر دولتی کشور- مراکز دانشگاهی- وزارت آموزش و پرورش- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یادداشت‌ها

۱. جهاد فرهنگی...، ۱۳۹۱.
۲. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصولاً هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی بیان شده است.
3. Soft System Methodology
4. Customer-Actors-Transformation process-Weltanschauung- Owner- Environmental factors (CATWOE)
۵. الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ...

۶. لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.

۷. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا.

۸. کونوا دعاة الناس بغير الستکم.

کتابنامه

- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا (۱۳۹۲)، تحقیق در عملیات نرم (رویکردهای ساختاردهی مسئله)، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ابوالقاسمی، محمدجواد؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۳)، پژوهشی در چالش‌های توسعه فرهنگ دینی با نگاه به آینده، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری عرش پژوه؛ دفتر مطالعات توسعه فرهنگ دینی.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۶)، قلمرو دین در تعیین مفروضات اساسی، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جاناناتان روزنهد، جان مینجرز (۱۳۹۲)، مدل‌سازی نرم در مدیریت، ترجمه عادل آذر، علی انوری، انتشارات نگاه دانش، چاپ اول.
- جهاد فرهنگی در بیان رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۱)، دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱، بهار.
- حیدری، محمد شریف (۱۳۹۲)، جامعه‌پذیری دینی در ایران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رکوعی، ایمان (۱۳۸۴)، تعیین سهم تأثیر دستگاه‌های دولتی بر فرهنگ کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۷)، تعیین چگونگی مدیریت راهبردی نهادهای فرهنگی دینی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۸)، نظام‌نامه تدوین نقشه مهندسی فرهنگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، گزارش وضعیت فرهنگی کشور بر اساس تحقیقات موجود.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، پیمایش ملی سنجش دین‌داری در ایران، تهران: سازمان افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا).
- فریدونی، محمدحسین و شیخ بهایی، محمدوحید (۱۳۹۲)، آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۸)، سنجش‌های دین‌داری در ایران، انتشارات جامعه و فرهنگ، چاپ اول.

لشکر بلوکی، مجتبی (۱۳۸۴)، طراحی و ارزیابی مدل‌های کلان ساماندهی فعالیت‌های قرآنی. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ملکزاده، غلامرضا. کاظمی، مصطفی و لگزیان، محمد (۱۳۹۲)، «هوش سازمانی: طراحی مدل سلسله مراتبی برای دانشگاه‌های دولتی ایران با رویکرد دیماتل»، پژوهش‌نامه مدیریت تحول، سال پنجم، ش ۱۰، پاییز و زمستان.

مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۸۹)، الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران بر اساس ارزش‌های اسلامی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، مؤسسه نشر شهر، چاپ دوم.

ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰)، هدف در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، انتشارات آوای نور، چاپ اول.

همایون، محمدهادی و عبداللهی، علی (۱۳۸۶)، «تجزیه و تحلیل سیستمی فرایند پرورش منابع انسانی در مسجد؛ مطالعه موردی: علل پویایی و حیات مسجد صنعتگران مشهد»، اندیشه مدیریت، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان.

- Barnden, A. Smith, R. and Watson, R. B. (1995), "A Framework for Analyzing SSM-Based studies", *Proceedings of the Fourth International Conference of the United Kingdom Systems Society*.
- Boulding Kenneth, E. (1956), "General Systems Theory: The skeleton of science", *Management Science*, 197-208.
- Boulding Kenneth, E. (2004), "General Systems Theory: The skeleton of science", *E:CO Special Double Issue*, Vol.6, Nos1-2, 127-139.
- Checkland, P. (1995), "Systems Theory and Management Thinking", *Proceedings of the Fourth International Conference of the United Kingdom Systems Society*.
- Checkland, P. (1981), *System Thinking Systems Practice*, Wiley & Sons Ltd.
- Checkland, P. et al, (1995), *Critical Issues in Systems Theory and Practice*.
- Hall, A. D. & R. E. Fagen (1986), *Definition of System, Modern Systems Research for the Behavioral Scientist*, Chicago, 111: Aldine Publishing Co., p.81.
- Michael C. Jackson (2003), *Systems Thinking: Creative Holism for Managers*, John Wiley & Sons Ltd.
- Michael Pidd (2003), *Tools for Thinking; Modelling in Management Science*, Second edition, John Wiley & Sons Ltd.
- Wilson, B, (2001), *Soft Systems Methodology: Conceptual Model Building and Its Contribution*, BWA (consultants) Ltd.